



نوای مانتک

بررسی ساختار لایینی های فارسی زبان خراسان

فیروزه میرزاسلانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سروش

تهران | ۱۴۰۰

شماره ترقیب انتشار: ۱۸۴۶

| سرشناسه: مدیر خراسانی، فیروزه، ۱۳۴۶- |
 | عنوان و نام پدیدآور: نوای ماتک: بررسی ساختار لالایی های فارسی زبانان خراسان / فیروزه مدیر خراسانی؛
 | مشخصات نشر: تهران: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، انتشارات سروش، ۱۴۰۰. |
 | مشخصات ظاهری: ۱۴۲ ص: ۱۴×۲۸ م | فهرست: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، انتشارات سروش: ۱۸۴۶ |
 | شابک: ۲-۱۸۱۴-۱۲-۹۶۴-۹۷۸ | وضعیت فهرست نویسی: فیبا | یادداشت: کتابنامه. |
 | عنوان دیگر: بررسی ساختار لالایی های فارسی زبانان خراسان. |
 | موضوع: لالایی ها -- ایران -- خراسان | موضوع: Lullabies -- Iran -- Khorasan (Province) |
 | شناسه افزوده: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران. انتشارات سروش |
 | رده بندی کنگره: PIR ۳۹۹۱ | رده بندی دیویی: ۸۰۹۵۵۸۲ / ۳۹۸ |
 | شماره کتابشناسی ملی: ۷۴۴۶۱۷۸ | وضعیت رکورد: فیبا |



انتشارات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

| نوای ماتک |

| بررسی ساختار لالایی های فارسی زبان خراسان |

| پدیدآور: فیروزه مدیر خراسانی |
 | ویراستار: غفت زحمت کش | طراح جلد: صادق باباوند | صفحه آرا: عباس محمد دینی |
 | چاپ اول: ۱۴۰۰ | قیمت: ۳۵۰,۰۰۰ ریال | شابک: ۲-۱۸۱۴-۱۲-۹۶۴-۹۷۸ |
 | این کتاب در پانصد نسخه در چاپخانه انتشارات سروش لیتوگرافی، چاپ و صحافی شد. |
 | تهران، خیابان استاد شهید مطهری، تقاطع خیابان شهید دکتر مفتاح، ساختمان سروش |
 | مرکز پخش: ۰۶۶۴۹۳۶۲۲-۰۶۶۴۹۳۶۲۲ | سامانه پیامکی: ۳۰۰۵۳۵۶ |
 | www.sorushpub.com | همه حقوق محفوظ است. |



تقدیم به

مادرم که صدای مهربانی‌اش برایم

همیشه زنده است

و پدرم که یادش، ماندگارترین خاطرات است

و به

همسرو فرزندانم

که لحظه‌های زندگی‌ام را با آرامش و بردباری رنگ عشق زدند



قدردانی و تشکر

بر خود واجب می‌دانم از جناب آقای قندی، مدیرمسئول و جناب آقای محمدجعفر قنوازی، سردبیر فصلنامه فرهنگ مردم تشکر کنم. همچنین قدردان همراهی و یاری همکارانم در مرکز آفرینش‌های ادبی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و مرکز پژوهش قصه‌های ایرانی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان هستم. از آقایان خانجانی و خرمی و خانم‌ها پروین قهرمان‌نژاد، مهری سلامتی، رخساره تیموری، محبوبه بهروزی‌نژاد و مریم آریان‌نژاد و همچنین آقای داوود ریحانی و مادر گرامی‌شان خانم زهرا ریحانی که در گردآوری لایه‌ها مرا یاری کردند، کمال تشکر را دارم.



۱.....	نوای اول
۵.....	فصل اول: ساختار لالایی ها
۹.....	۱. موسیقی
۱۲.....	۲. تکرار
۱۵.....	۳. وزن
۱۷.....	۴. زبان لالایی
۱۸.....	۵. تصویر
۱۹.....	۶. تشبیه در لالایی های خراسان
۲۰.....	۷. حرکت
۲۳.....	فصل دوم: درون مایه های لالایی
۲۶.....	۱. درون مایه هایی برگرفته از طبیعت
۲۸.....	۲. درون مایه هایی با محوریت انسان
۲۹.....	۳. درون مایه های مرتبط با باورهای دینی و مذهبی
۳۱.....	۴. جنسیت در لالایی های خراسان
۳۱.....	۵. لالایی ها و شاعرانگی
۳۲.....	۶. نقش و ساختار روایت در لالایی
۳۴.....	۷. زمان در لالایی ها
۳۴.....	۸. ترتیب
۳۵.....	۹. دیرش
۳۶.....	۱۰. بسامد

۳۷	 مکان در لالایی ها
۳۸	 انتقال مکانی
۳۹	 راوی
۴۰	 شیوه روایت
۴۲	 شخصیت پردازی
۴۵	 فصل سوم: لالایی های مناطق فارسی زبان خراسان
۴۸	 ۱. لالایی های خواف
۵۲	 ۲. لالایی های سبزوار
۵۹	 ۳. لالایی های طبس
۶۸	 ۴. لالایی های تایباد
۸۳	 ۵. لالایی های مشهد
۸۸	 ۶. لالایی های تربت حیدریه
۱۰۲	 ۷. لالایی های بیرجند
۱۰۶	 ۸. لالایی های قاین
۱۰۷	 ۹. لالایی های کاشمر
۱۰۸	 ۱۰. لالایی های فریمان
۱۱۱	 ۱۱. لالایی های تربت جام
۱۱۴	 ۱۲. لالایی های گناباد
۱۱۵	 ۱۳. لالایی های قوچان
۱۱۷	 ۱۴. لالایی های بشرویه
۱۱۸	 ۱۵. لالایی های نیشابور
۱۲۶	 ۱۶. لالایی های مشترک خراسانی
۱۲۷	 نوای آخر
۱۳۰	 منابع



نوای اول



صداها زمانی شنیده می‌شوند که سکوتی خدشه‌دار و دریای آرام جهان شنیداری موج شود. صدا همیشه باری به همراه دارد. این بار، یا دانش جدیدی به شنونده عرضه می‌کند و موجب آگاهی بیشتر او از چیزی شده و یا باعث تکرار دانشی از گذشته می‌شود.

زبان هر گروه از مردم - چنان‌که پیداست - ویژگی‌هایی داشته و آواهایی خاص را در خود جای می‌دهد، از ترکیب این آواها مفاهیمی پدید می‌آید که برای همان گروه دارای معنا و مفهوم است. اما کشش، ضرب‌آهنگ و مفاهیم درون هر زبان موجب پدیدار شدن موقعیت‌های احساسی و عاطفی متفاوتی در واژه‌ها و حروف می‌شود. هر گروه از مردم تجربه نیاکانشان را که برگرفته از اسطوره‌ها و رازهای پنهان در آن‌هاست، به درک خود از موقعیت و زمان جاری گره می‌زنند و افکار و دغدغه‌هایشان را در قالب واژه‌ها بیان می‌کنند. از جمله این گروه، می‌توان به مادران اشاره کرد که با ترکیب امکانات مختلف و بهره‌گیری از ادبیات بومی و محلی خود روشی را برای آرام کردن فرزندانشان ابداع کرده‌اند؛ روشی منحصر به فرد

که خاص خودشان بوده و دست گروه‌های دیگر از آن کوتاه است.

مادران از امکانات صدا و ترکیب آن با احساس و سنت‌های بومی خود، طی هزاران سال در کنج خانه‌ها، پستوها و اندرونی‌ها موقعیتی را فراهم کردند تا کودک پس از ورود به این دنیای هزاررنگ، از طریق شنیدن لالایی خوابی آرام و امن را تجربه کند. مادران در بستر این احساس قوی، عناصری را به تسخیر خود درمی‌آوردند که زمزمه‌هایشان را ماندگار و منحصربه‌فرد کرده است.

یکی از مهم‌ترین عناصری که در لالایی‌ها دیده می‌شود، تنهایی مادر است؛ تنهایی‌ای که نمودی گسترده داشته و شاید بهتر باشد آن را از بعد جامعه‌شناختی بررسی کنیم، چرا که می‌توان در لالایی‌ها موقعیت زندگی مادران را تا حد زیادی مشاهده و بررسی کرد. طبیعتاً موقعیت مادر در سرایش لالایی‌ها بسیار مؤثر بوده و از این‌روست که گاهی در زمزمه‌هایش هنگام لالایی‌خواندن، گلایه‌هایش از برخی فرهنگ‌های نادرست قومی، دشواری‌ها و ناگواری‌های زندگی‌اش را مطرح کرده و در مواردی هم از صبوری مادر و شجاعتش در تنها بزرگ کردن فرزند قدردانی کرده است. دومین عنصری که مادر در لالایی‌های خود به کار گرفته، گوشه‌ها و ردیف‌های موسیقی است. او آن قدر این موسیقی‌ها را زمزمه می‌کرده تا بفهمد چه نوا یا رنگی می‌تواند بر آرامش کودک تازه به دنیا آمده او تأثیری مطبوع بگذارد. در سرزمین فارسی‌زبانان، این گوشه‌ها از مهم‌ترین کشف‌های مادران است؛ مانند نوای «اُشْتُرْ خَجُو» (OŠTOR XAJU) در خواب که از آواهای مادران هنگام خواباندن کودک و همچنین یکی از گوشه‌های موسیقی مقامی ایران است.

سومین عنصر مؤثر در سرایش لالایی‌ها می‌تواند موقعیت روحی و روانی مادر باشد. مادری با احساس، یک مادر خسته، یک مادر بدبین،

مادری مذهبی که اجر صبرش را از ائمه می‌خواهد، یا مادری تنها اما امیدوار که بالاخره روزی پدر فرزندش را در کنارش خواهد داشت و مانند این‌ها، حالات و موقعیت‌هایی بوده که آرام کردن کودک را جهتی خاص می‌بخشیده است.

از سوی دیگر، مخاطبان لالایی‌ها را هم می‌توان در چند گروه مختلف دسته‌بندی کرد، وقتی در این پژوهش سراغ لالایی‌های برخی شهرهای استان خراسان رفتم، با طیف مختلف و متفاوتی از مخاطبان در لالایی‌ها روبه‌رو شدم. اولین مخاطب خداوند است؛ خدای مهربانی که یادآوری نام و یادش برای مادر ارمغانی از شادمانی را به همراه دارد. مادر قصد خواباندن طفل را دارد، اما برای خدایی می‌خواند که به او کودکی زیبا عطا کرده، هرچند گاهی در میان لالایی‌های خود از خداوند گلایه می‌کند، اما وجود فرزندش نعمتی است که به‌خاطر آن شکرگزار است.

دومین مخاطب، خود مادر است؛ او که همه سختی‌ها را به جان خریده تا کودکش خوشبخت شود و تمام رنج‌ها را می‌پذیرد به امید دیدن روزهایی خوش در آینده کودک. مادر امیدوار لالایی‌ها، با دنیایی از تنهایی و سختی روبه‌روست، اما با دشواری‌ها کنار می‌آید و لبخند می‌زند به شوق دیدن فردایی زیبا برای فرزندش.

سومین مخاطب، طبیعت است. او فرزندش را با همه گل‌ها و زیبایی‌های طبیعت مقایسه می‌کند و در آخر به آن‌ها هشدار می‌دهد تمام زیبایی‌ها فقط در فرزند او خلاصه شده است. از دیگر مخاطبان مادر، جن‌ها و پریان هستند؛ شخصیت‌هایی غیرواقعی که در تخیل قدرتمند خود از آن‌ها نیز یاری می‌طلبند. البته گاهی آن‌ها را نکوهش می‌کند و در بی‌خوابی فرزند مقصرشان می‌داند، بعد هم می‌گوید دست

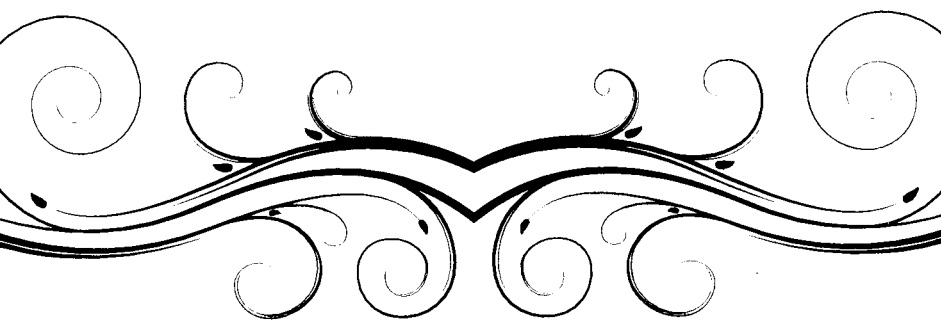
از سر بچه‌اش بردارند و بگذارند راحت بخوابد.

اما در لالایی‌ها مهم‌ترین مخاطب کودک است، چراکه مادر روایت همهٔ احساسات و زندگی‌اش را در قالب ترانه‌ای زیبا برای او می‌خواند. کودک شاید از آن جهت مهم است که گوینده تنها برای وجود او می‌سراید، از این روست که هیچ زنی تا شخصیت مادر را در قالب وجودی خود حس نکند، نمی‌تواند نوایی چنین جادویی سر دهد.

در خواباندن طفل عناصر دیگری نیز از جمله حرکت مهم هستند. «گاره» یا «گهواره» عنصر مهمی است که ساختار لالایی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، مدت زمانی که گهواره از طرفی به طرف دیگر می‌رود، در کشش و طول مصرع‌هایی که مادر انتخاب می‌کند تأثیرگذار است. هرچه طول رفت و آمد گهواره بیشتر باشد، مادر می‌تواند از کلمات بیشتری استفاده کند.

لالایی‌هایی که در این کتاب منتشر می‌شوند طی شش ماه پژوهش به شیوهٔ میدانی جمع‌آوری شده‌اند؛ تلاش شده است با معرفی و تحلیل این لالایی‌ها و بررسی عناصر تأثیرگذار بر ساختار و محتوای آن‌ها سنت‌های رایج در فرهنگ‌های اقوام ساکن در خراسان مورد مطالعه قرار گیرد؛ لالایی‌هایی که برای زنده نگه داشتن آن مادرانمان سختی‌های فراوانی متحمل شده‌اند و حالا وظیفهٔ ما جمع‌آوری، نگهداری و تلاش برای پرده برداشتن از راز جاودانگی آن‌ها به عنوان گونه‌ای مهم از ادبیات شفاهی ایران است. هرچند جمع‌آوری برخی لالایی‌ها با مشکلاتی همراه بود، اما امید که این حرکت کوچک مسیری بزرگ را برای پاسداری از باورها و آداب و رسوم مردم این سرزمین فراهم آورد.

فصل اول: ساختار لایه‌ها



لالایی‌ها و به‌طور کلی اشعار و موسیقی عامیانه تحت تأثیر سه عامل باورها، مسلک‌ها و اسطوره‌های قومی هستند؛ سه عامل مهمی که می‌توان آن‌ها را به این شکل تعریف کرد:

باورها: میزان نفوذ تصورات ذهنی بر اساس نظام ارزشی‌ای است که باعث می‌شود مفاهیم حقانیت (مشروعیت) موسیقی، آزادی عمل در اجرای موسیقی و سرانجام وفاق فرهنگی شکل و معنا بیابد. از این رو باورهای یک قوم به خوبی در اشعار عامیانه متجلی است.

مسلک‌ها: مجموعه‌ای از باورهای منظم و مرتب است که وضع جامعه‌ای که در آن شکل گرفته را منعکس می‌کند.

اساطیر: باورهای مهم‌تری هستند که با جنبهٔ عقلانی مسلک‌ها نظم و ترتیب کمتری گرفته‌اند. به عبارت دیگر، اسطوره تلاشی برای بیان واقعیت‌های پیرامونی با امور فراطبیعی است. انسان در تبیین پدیده‌هایی که به علتشان واقف نبوده، به تعبیرات فراطبیعی روی آورده و به همین علت هم بیشتر با عواطف و احساسات بشری سروکار دارد. لالایی‌ها در ساختار خود از شعر رسمی پیروی نمی‌کنند، چرا که مادران، لالایی برگرفته از ذهن خود را از روی هیچ کتاب و دفتری

نمی‌خوانند و سروده‌هایشان را بی هیچ آداب و ترتیبی و به صورت بداهه به زبان می‌آورند. در متن‌ها و سندهای پیش از اسلام هیچ نمونه‌ای از لالایی به چشم نمی‌خورد، اما در واژه‌نامه‌ها لغت «بنگره» آمده که هم معنای لالایی است.

برهان قاطع «بنگره» را آوا و زمزمه‌ای می‌داند که زنان هنگام خوابانیدن کودکان می‌خوانند و در تعریف دیگری در لغت‌نامه دهخدا این‌طور آمده است: «بنگره ذکرى باشد که عورات (زنان) در محل خفتن کودک گویند تا به خواب رود و آن را «نانو» گویند.» ریشه این واژه از بانگ می‌آید که در پهلوی «ونگ» (vang) است. «ونگ» به معنای صدا و آواز یا گریه همراه با ناله است، پیشوند این واژه «بن» است به معنای حبس و بند. به این ترتیب بنگره به معنای ناله‌بند یا ناله‌خاموش‌کن است. اما درباره اینکه این واژه چگونه به لالایی تبدیل شده، گفته‌اند که بنگره حالت همگانی‌تری نسبت به لالایی داشته و شامل هر نوع آواز برای خواباندن کودک می‌شده است. لالایی پیش از آنکه بخواهد واژه‌آوایی فارسی باشد، یک آوای فراگیر است که در زبان‌های دیگر نیز وجود دارد. لالایی‌ها نخستین نغمه‌های زبانی‌ای هستند که کودک با آن‌ها آشنا می‌شود. نخستین پیوند زبانی میان مادر و کودک با لالایی شکل می‌گیرد.^۱ ذکر این نکته هم ضروری است که لالایی با صدایی بلند آغاز و کم‌کم آرام می‌شود تا کودک به خواب رود. در ساختار لالایی‌ها سه عنصر مهم نقش دارند؛ موسیقی، حرکت و شعرو درون‌مایه. هر کدام از این سه عنصر به تنهایی حائز اهمیت هستند، اما وقتی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، جادویی را به وجود

می‌آورند که لایه‌ای را اثرگذار می‌کند. لازم است درمورد هریک از این عناصر توضیح بیشتری ارائه شود، اما پیش از پرداختن به این مفاهیم نگاهی بیندازیم به آوازهایی که زنان سر می‌داده‌اند، این آواها شکل‌های گوناگونی دارند که می‌توان آن‌ها را در دو گروه کلی دسته‌بندی کرد:

الف) آوازهایی که به صورت بداهه پدید می‌آید و مادران به وسیله آن تمام دل‌تنگی‌های خود را تسکین می‌دادند، مانند «آواز بانوی کوه» یا «کوه بانو»، «ماه بانو»، «گل بانو»، «داربانو»، «زمان بانو» و مانند این‌ها. در آواز کوه بانو زنان در بن سنگی از کوه پنهان می‌شدند و ناله‌های درون را به آواز سر می‌دادند. هنوز زنان برخی از اقوام ایرانی مانند زنان ایل در کوه‌های زاگرس این آیین را اجرا می‌کنند. در آواز «داربانو» هم زنان نازا به درختان خاص و کهن، گهواره و نوارهای پارچه‌ای می‌بستند و هنگام انجام این کار، آوازهایی نیایشی و ستایشی سر می‌دادند.

ب) آوازهایی که زنان برای فرزندانشان، از هنگام تولد تا مرحله نوجوانی، سر می‌دادند و در ایران آن‌ها را تحت عنوان لایه می‌شناسیم.

۱. موسیقی

موسیقی یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های لایه‌ای است. کودکی که تازه به دنیا می‌آید، نه معنای کلمات مادر را می‌فهمد و نه از غم و رنجی که مادر برایش زمزمه می‌کند چیزی متوجه می‌شود. تنها عنصری که کودک را با خود به دنیای خیال می‌برد و به خوابی خوش دعوت می‌کند، موسیقی آرام‌بخش و سحرانگیز صدای مادر است. افلاطون در این باره این‌طور می‌نویسد: «در ازل، فرشتگان با سروش خود انسان را سرگرم می‌کنند تا به دنیا بیاید و چون به دنیا آید، آن نغمات قطع می‌شود و سبب گریه انسان قطع همین نغمات است».

مادران در اغلب نقاط ایران لالایی‌هایشان را در دستگاه‌های شور، همایون و ماهور اجرا می‌کرده‌اند. هرچند مادران در انتخاب دستگاه‌های موسیقی تقریباً سلیقه‌ای مشترک دارند، اما محتوای کلام آن‌ها با یکدیگر تفاوت‌هایی دارد. درون‌مایهٔ برخی لالایی‌ها از جور و ستم، شجاعت یا نصیحت می‌گوید و برخی دیگر سرشارند از آرامش، مهر و محبت و یا زیبایی‌های طبیعت.

مادر با خواندن لالایی ناخواسته ریتم و ملودی را به کودک می‌آموزد. او با آوازهای آرام خود - که ریتم در آن‌ها عامل اصلی است - اصوات را که دارای ضرب‌آهنگ هستند، به ذهن کودک منتقل می‌کند و در این مسیر کودک هم‌زمان حرکت، شدت، کشش، قدرت قرینه‌سازی، نظم و تکرار را به‌طور ناخودآگاه یاد می‌گیرد. با ترانهٔ مادر، ریتم و کلام در قالب آواز به هم می‌آمیزد و پدیدهٔ زبان‌گیری آغاز می‌شود. موسیقی کودک ایرانی به همین سبب از قطره‌های باران گرفته تا اشک مادر، همهٔ جلوه‌های هست و نیست جهان را با زبانی ساده بیان می‌کند. در این موسیقی مادر استاد است و کودک شاگرد، و تفهیم به‌روشن سینه‌به‌سینه انجام می‌شود. استاد به شاگردش می‌آموزد که از زمان بیداری تا هنگام خواب و در طی روز هنگام کار و تحصیل و حتی پدید آمدن جلوه‌های طبیعت در هر فصل، موسیقی با او همراه است و ترانهٔ سرزمین باید سروده شود تا آتش اندیشه‌ها و باورها که «فرهنگ» نام دارد، افروخته بماند.^۱

از سویی دیگر موسیقی در هر منطقه باورها و اعتقادات، سبک کار، کشاورزی و آداب و رسوم زنان را نشان می‌دهد، مانند موسیقی کار زنان

قالی باف یا شالی‌کار. این موسیقی‌ها بر روح و روان تأثیرگذار است و علاوه بر آنکه خودشان از تأثیر آن بهره‌مند می‌شوند، اطرافیان نیز از آن سود می‌جویند.

پروفسور هربرت گوئیفر^۱ از دانشمندان معروف آلمان در کتاب مطالعاتی در باب موسیقی می‌نویسد: موسیقی در بدن انسان تولید برق می‌کند. عامل به وجود آمدن این برق، الیاف مخصوص اعصاب است. در آزمایشی که در بیمارستانی در آلمان به وسیلهٔ آوازه‌های معین و موسیقی خاص انجام شد، درد و غم بیماران کاهش یافت و مقدمات بهبود و تقویت روحیهٔ آنان فراهم آمد.^۲

موسیقی و ریتم لالایی در نوزادان که دنیای ذهنی پراکنده‌ای دارند ایجاد نظم می‌کند و به پریشانی و آشفتگی ذهنی‌شان ثبات می‌بخشد، چراکه به عنوان یک وسیلهٔ ارتباط کلامی و غیرکلامی می‌تواند ابراز بیان عواطف و احساسات باشد. محرک ریتمیک ضربان قلب مادر می‌تواند نوزاد تازه متولد شده را آرام کند. نوروکا (Noroka) دریافت صدای فشارخون سیاه‌رگ‌ها و سرخ‌رگ‌های مادر و ضبط آن توأم با موسیقی کلاسیک به طور مؤثری گریهٔ نوزاد تازه متولد شده را متوقف و به عنوان یک خواب‌آور طبیعی عمل می‌کند. نوزاد توانایی درک کلمات لالایی را ندارد و صرفاً تحت تأثیر ریتم لالایی و محیط آرامی که مادر برایش فراهم کرده، به خواب می‌رود.^۳

لالایی‌های مادران نیز از موسیقی بی‌بهره نبوده و تأثیر نوای ملودی لالایی در مادر و کودک بسیار قابل توجه است. شاید در نظر اول لالایی

۱. Herbert Guifer

۲. امینی، ۱۳۸۰: ۲۳.

۳. اشمیت پترز، ۱۳۸۹: ۱۵۰.

یک ترانه ساده به نظر بیاید، اما وقتی به ساختار آن توجه کنیم تأثیر آن بر ما معلوم می‌شود. موسیقی ساختاری به وجود می‌آورد که هرچند قابل دیدن یا لمس کردن نیست، اما حس کردنی است؛ حسی که از طریق صوت به انسان منتقل می‌شود و بر او تأثیر می‌گذارد.

کودک پیش از تولد با موسیقی و ریتم آشنا می‌شود، ضربان قلب مادر که در روزگار جنینی آرام‌بخش اوست، ریتم خاصی برایش داشته و بر روح و روانش اثر می‌گذارد، بنابراین بعد از به دنیا آمدن مهم‌ترین چیزی که بر روان کودک اثر می‌گذارد، موسیقی و ریتم کلام است.

موسیقی در لالایی‌ها بر دو گونه است: موسیقی درونی که از راه تکرار تأمین می‌شود و موسیقی بیرونی که با وزن و قافیه به وجود می‌آید.

۲. تکرار

تکرار پدیده‌ای است گسترده در ادبیات که سبب یکپارچگی و انسجام متن می‌شود و نقش مهمی در رساندن پیام به مخاطب دارد.^۱ تکرار تنها به استفاده مکرر از یک واژه محدود نمی‌شود، بلکه بر جان دریافت‌کننده تأثیر می‌گذارد و مقداری از اثربخشی درونی متن را بر عهده می‌گیرد. لالایی‌ها به کمک تکرار گیراتر می‌شوند و به نظر می‌رسد، پدیدآورندگان عمدی در استفاده از آن داشته و تکرار را به عنوان ابزاری برای ایجاد کیفیت موسیقایی در لالایی‌های خود به کار گرفته‌اند. این تکرارها را می‌توان در سه بخش دسته‌بندی کرد؛ تکرار آوایی، تکرار واژگانی و تکرار عبارت یا جمله.

الف- تکرار آوایی:

منظور از تکرار آوایی، تکرار واجی مشخص است. این تکرار در لایه‌ها اغلب در ابتدای شعر دیده می‌شود. اگر دقت کرده باشیم، کودک قبل از هر چیز واژگانی مانند بابا، نی‌نی، دَدَ، و مانند این‌ها را به زبان می‌آورد، پس تکرار هجایی معین در ابتدای یک شعر به زبان کودک نزدیک است و خیلی زود با او ارتباط برقرار می‌کند، شاید بتوان گفت مهم‌ترین ویژگی لایه‌ها همین تکرار آوایی است:

لالالا گل‌پونه من لالالا دردونه من

تکرار آوا شاید همان آرامشی را برای کودک به ارمغان می‌آورد که مادر می‌خواهد. این تکرار، موسیقی نرمی دارد که پس از چند ثانیه کودک را به دنیای خیال می‌برد و از هیاهوی اطراف جدا می‌کند؛ تا آنجا که اگر هنگام لایه‌خواندن کنار مادری بنشینیم، پس از مدت کوتاهی احساس می‌کنیم پلک‌هایمان سنگین می‌شود. تکرار این آوای اعجاز‌برانگیز ما را حتی در سنین بزرگ‌سالی وادار می‌کند تا از مادرانمان بخواهیم لایه‌ی دوران کودکی‌مان را دوباره زمزمه کنند.

جالب است بدانیم این تکرار آوا در اکثر زبان‌های دنیا وجود دارد. در زبان عربی مادر از تکرار هوا هوا، هنایا هنایا و یا نی‌نی، استفاده می‌کند و در زبان انگلیسی از تکرار آوای لالابی (Lullaby). در زبان فارسی تلفظ برخی حروف دارای ویژگی‌هایی است که وقتی در کنار واژه‌های کشیده قرار می‌گیرند، این توانایی را به خواننده می‌دهند که با صدای خود بازی و کشش یا زمان تلفظ را طولانی کند. واژه‌های کشیده «آ»، «او» و «ای» در ترکیب با همخوان‌های «ل»، «ه» و «ن» همین حالت را ایجاد می‌کنند:

هاها هوهو هی‌هی نانا نونونی لالالولولی

تأثیر این کشش حروف در کودک همان آرامش و نتیجه آن، خوابی زود و خیال انگیز است.

ب- تکرار واژگانی

تکرار یک واژه در لالایی در زبان فارسی به چند شکل انجام می‌شود:
تکرار افقی: به شکل افقی و در سطح یک بیت انجام می‌شود و می‌تواند در هر قسمت از بیت قرار گیرد.

لالالا [آآ] گلِ زیره بابات رفته زنی گیره

لالالا [آآ] گلِ زیره چرا خوابت نمی‌گیره

تکرار رأسی: کلمه خاصی در رأس لالایی قرار می‌گیرد و در میان شعر نیز تکرار می‌شود، مانند تکرار کلمه «پسر» در لالایی زیر:

شا پسر لاری پسر دکان عطاری پسر

تکرار آغازین: تکرار واژه در ابتدای شعر است؛ واژه‌ای جدا از آوای ابتدایی معمول در لالایی‌ها. مانند تکرار کلمه «گل» در لالایی زیر:

لالالا [II] گلِ زیره بابات رفته زنی گیره

لالالا [III] گلِ خشخاش بابات رفته خدا همراهش

تکرار «گل» در ابتدای شعر بعد از واژه لالایی در بخش بعدی نیز دیده می‌شود.

در لالایی فارسی تکرار ضمیر ملکی «م» همراه واژه فراوان به چشم می‌خورد. مانند گُلُم نبائُم، یاشُم، عزیزُم، ناژُم و... مادر با این تکرار واژه‌ها قصد دارد فرزندش را که تمام عشق و آرزوی اوست، در قالب بهترین‌ها توصیف کند.

۱. همان طور که گفته شد، مادران در بند رعایت اصول سرایش شعری نبوده و در مواردی لالایی را با کشش واکه‌ها و بازی با صدای خود کامل می‌کرده‌اند. برای راحت‌تر خواندن لالایی‌ها تا پایان کتاب مواردی که مادران هنگام خواندن لالایی با لحن خود اعمال می‌کرده‌اند، در [] نشان داده شده است.

ج- تکرار عبارت یا جمله: تکرار جمله یا عبارت نشان‌دهنده اندیشه و تفکر مادر است. این اندیشه از عمق وجود و آرزوی مادر برمی‌خیزد:

لالا [آآآآ] گل قالی بابات رفته جایش خالی

لالا [آآ] گل پونه بابات رفته دلم خونه

لالا [آآ] گل خشخاش بابات رفته خدا همراهش

تکرار «بابات رفته» اندوه مادر از تنهایی و دل‌بستگی او به همسرش را نشان می‌دهد. این در حالی است که مادر با این زمزمه و دعا برای روح خود نیز آرامش می‌طلبد. او در واقع نمی‌خواهد فکری به خود راه دهد و از کودک نیز می‌خواهد آرام باشد، چرا که آرامش او پدر را به خانه برمی‌گرداند.

۳. وزن

وزن در موسیقی عبارت است از تکرار متناوب رشته‌هایی از زمان مشخص. این رشته‌های زمان هم می‌توانند شامل صوت باشند و هم شامل سکوت. ایجاد وزن در کلام هم نقش مهمی دارد و آن را موزون می‌کند تا موجب انتقال بهتر حس‌هایی شود که کلمات قصد بیان را به مخاطب دارند. در انتخاب وزن یک شعر، سراینده گزینه‌های زیادی دارد، اما انتخاب نهایی با توجه به کلامی که قصد بیان را دارد، انجام می‌شود. درست مثل ما که وقتی خوش حال هستیم، سریع‌تر سخن می‌گوییم و وقتی غمگین یا جدی هستیم، کلمات را آرام‌تر بیان می‌کنیم. در شعر برای بیان لحظه‌های خوش از بیت‌هایی با حرکت تند و سیلاب‌هایی با تکیه و واکه‌های کوتاه استفاده می‌شود، مانند بیت‌هایی که در بحر سریع در مخمس سروده شده‌اند. وقتی شعرا فکر جدی‌تری را مطرح می‌کنند، وزن، حرکت آرام‌تری به خود می‌گیرد و از واکه‌های بلندتر و سیلاب‌های دارای تکیه استفاده می‌کند. در هر بیت